

معماری اثر بخش

ثمانه ابروانی



کلیدواژه‌ها: راهرو، یادگیری، دانش آموز.

اشاره

وقتی از محیط یادگیری صحبت می‌شود، آن چه به ذهن خطور می‌کند، مدرسه، کلاس، آزمایشگاه، کارگاه و به عبارت دیگر، محیط‌های رسمی آموزش است. در حالی که محیط یادگیری می‌تواند معانی گسترده‌تری را در بر بگیرد. در این نوشته، به یکی از پررفت‌وآمدترین فضاهای یادگیری (راهروهای مدرسه) توجه می‌کنیم.

مسئله‌ساز است؛ غالباً بچه‌ها آن‌جا پنهان و از نظارت و دست‌رس ما دور می‌شوند.

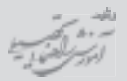
از آن‌ها خواستیم که راهروی مدرسه را برای من تشریح کنند و پاسخ این بود که راهرو تنها کاربردش این است که بچه‌ها را به کلاس‌ها برساند. البته کمدهای بچه‌ها نیز در راهرو قرار دارند. ما هم هر سال می‌کوشیم کمدها را رنگ کنیم تا فضای راهرو شادتر شود. بر دیوارهای آن نیز تابلوهای اعلاناتی نصب می‌کنیم و نوشته‌ها و دستورات و یا بخش‌نامه‌ها را به آن‌ها می‌زنیم تا بچه‌ها بخوانند.

بعضی دیگر گفتند، ما تابلوهایی را مخصوص خود بچه‌ها در راهروها نصب کرده و به بچه‌ها اجازه داده‌ایم خودشان آن‌ها را تزئین و نمونه کارها و مثلاً روزنامه‌دیواری‌های خود را روی آن نصب کنند. برخی دیگر هم گفتند، گاهی راهروها عقب‌رفتگی‌های کوچکی مانند طاقچه دارند که ما توانستیم آن‌ها را به قفسه‌هایی برای کتاب‌خانه‌های کوچک تبدیل کنیم.

این‌ها تمام کاربردهایی بود که مدیران و معلمان می‌توانستند از راهرو تجسم کنند.

چندی پیش، من از معلمان و مدیران مدارس در زمینه‌ی طراحی فضاهای مدرسه سؤالاتی پرسیدم. سؤال کردم که مدارس ما چه شکلی هستند. بسیار سریع پاسخ دادند: «یک راهروی عریض و طویل با چند کلاس در دو طرف آن». و اضافه کردند: «البته کتاب‌خانه و نمازخانه‌ای نیز می‌توانید در آن بیابید. اگر هم قبلاً کمی برای طراحی آن فکر شده باشد، آزمایشگاه‌های خوبی می‌توان در مدارس دید. یک حیاط هم که در جلوی مدرسه واقع است. بعضی مدرسه‌ها حیاط پشتی نیز دارند که مناسب ما نیست و اصلاً آن را دوست نداریم، زیرا

معماری خوب فضا، تأثیر بسیار زیادی در عملکرد کاری شما خواهد داشت





که مانع از ورود آفتاب شدید به راهروها می‌شدند. رنگ دیوارها و کفها را از سفید، یا استخوانی ساده و یا لیمویی تکراری، تغییر می‌دادیم و رنگ‌های شاد و شیک به فضا اضافه می‌کردیم. در طراحی‌های اولیه‌ی ساختمان، مانع ایجاد راهروهای مستقیم می‌شدیم و بخشی از آن را مربع شکل، دایره‌ای شکل و هر شکلی که بشود آن را مبلمان کرد، طراحی می‌کردیم. بخشی از فضا را به شکل کتابخانه‌ای کوچک، اما آزاد، طراحی می‌کردیم تا بچه‌ها بتوانند آزادانه کتاب بخوانند؛ در عین این که نشست‌اند و استراحت می‌کنند. کمدهای فلزی را به درون کلاس‌ها می‌بردیم و راهرو را از آن‌ها خالی می‌کردیم تا کمی نفس بکشند. بخشی از فضای راهرو را برای بچه‌ها خالی می‌کردیم و میز بزرگی آن‌جا قرار می‌دادیم تا بچه‌ها بتوانند کارهای عملی خود را در آن‌جا انجام دهند. بچه‌های کوچک‌تر هم با دیدن کارهای بزرگ‌ترها، نکات زیادی را فرا می‌گرفتند. نظارت مستقیم خودمان را از راهروها کم و به طور غیرمستقیم نظارت می‌کردیم. ما معلمان هم بخشی از وقت خود را در راهروها، در کنار همین بچه‌ها سپری می‌کردیم تا احساس امنیت بیشتری کنند. آن موقع است که به جای ۶۵ درصد فضای بسته‌ی خود، از ۱۰۰ درصد آن بهره برده‌ایم.

در این صورت، من به عنوان یک معلم معمار می‌توانم بگویم، راهرو به «مسیر یادگیری خوبی» تبدیل شده است. راهرویی خوب است که اصلاً وجود نداشته باشد. یعنی در هیچ جای آن احساس طولان بودن، تاریک بودن و بلااستفاده بودن نکنید. راهرویی خوب است که سرشار از نور طبیعی، فضاهایی برای یادگیری و جاهایی برای نشستن بچه‌ها با مبلمان راحت و نرم باشد. راهرویی خوب است که من نامش را «خیابان یادگیری» بنامم.

برای تغییر دادن یک فضا دست به کار شوید. اما یادتان باشد، کارهای عجولانه یا بدون مشاوره همیشه پاسخ‌های خوبی نمی‌گیرد. این را بدانید که معماری خوب فضا، تأثیر بسیار زیادی در عملکرد کاری شما خواهد داشت. پس با مجله در تماس باشید و بگویید که می‌خواهید راهروی خود را به یک مسیر یادگیری خوب تبدیل کنید. منتظر ایمیل‌های شما هستیم.

samaneh@irvani.com

بباید با هم به موضوع «راهرو» نگاهی موشکافانه‌تر بیندازیم. اگر فضاهای مدرسه را به فضای بسته (ساختمان) و فضای باز (حیاط) تقسیم کنیم، در پلان‌های مرسوم ساخته شده و یا در حال طراحی برای مدرسه، فضاهای بسته را کلاس‌ها و اتاق‌های جانبی و راهرو تشکیل می‌دهند. اگر متری را در دست بگیریم و کمی در مدرسه بچرخیم، متوجه خواهیم شد که راهروها و فضاهای مشاعات آن، چیزی حدود ۳۵ درصد مساحت فضای بسته‌ی هر مدرسه را تشکیل می‌دهند. خوش‌بینانه که نگاه کنیم، تمام فعالیت‌های «یادگیری و آموزش» در مدرسه، در کلاس‌ها و آزمایشگاه‌ها انجام می‌شود. این یعنی ما از ۱۰۰ درصد فضای بسته‌ی هر مدرسه، از چیزی حدود ۶۵ درصد آن استفاده می‌کنیم. یعنی ۳۵ درصد مدرسه، مناسب فعالیت‌های آموزشی است و بقیه‌ی ساختمان به نوعی برای ما معلمان و دانش‌آموزان مفید نیست. آن‌ها فقط فضاهای مسقفی هستند که ما را به جاهایی که می‌خواهیم، می‌رسانند؛ جاهایی شبیه کلاس‌ها، آزمایشگاه‌ها و یا اتاق‌های مربیان و مدیران. نگاه‌داری چنین راهروهایی، هزینه‌های گزافی نیز دارد. مثلاً در زمستان هزینه‌های گرم کردن آن‌ها و در تابستان نیز هزینه‌ی سرد کردن. از همه مهم‌تر، غالباً این راهروها به دلیل نداشتن نور طبیعی خورشید، بسیار تاریک‌اند و ما مجبوریم در ساعات کاری مدرسه، همیشه لامپ‌های زیادی را برای روشن نگه داشتن آن‌ها استفاده کنیم.

اگر چند روزی در رفتارهای بچه‌ها در راهرو دقت کنیم، متوجه می‌شویم آن‌ها در عین این که راهرو را دوست دارند، از کیفیت فضای آن ناراضی هستند. بارها بچه‌هایی را دیده‌اید که در کنارهای راهرو و یا در پله‌ها می‌نشینند و غرق در تصاویر و عکس‌هایی می‌شوند که روی دیوار نصب شده‌اند. بارها بچه‌ها را در لبه‌های زیر پله دیده‌اید که مشغول غذا خوردن هستند و شاید بارها به آن‌ها تذکر داده‌اید که آن‌جا ننشینند. حتی بچه‌هایی که در طول راهرو راه می‌روند و درس را مرور می‌کنند و چندین بار هم حین مطالعه و راه رفتن، به دیگران برخورد می‌کنند. اما باز این کار را انجام می‌دهند. چرا؟

بچه‌های ما در طول ساعات حضور در مدرسه، دوست دارند دیگر فضاهای مدرسه را نیز تجربه کنند. آن‌ها دوست ندارند تمام پنج شش ساعتی که در مدرسه هستند، فقط در فضای بسته‌ی کلاس، روی صندلی‌های خود بنشینند. بعد هم خیلی منظم به حیاط بروند و دوباره به کلاس برگردند. آن‌ها دوست دارند در برخی از زمان‌های کوتاهی که مال خودشان است، در جایی خلوت و یا استراحت کنند. در راهروها بدون و یا گچی دوستانه و چند نفری داشته باشند. در حالی که معماری معمول مدرسه‌ها که شامل راهرویی ساده و چند کلاس است، این حق را از آن‌ها گرفته است.

فرض کنید راهروهایی داشتیم که نور طبیعی را وارد فضا می‌کردند؛ چه از سقف و چه از دیوارها؛ با سایه‌بان‌های خوبی

راهرویی خوب است که سرشار از نور طبیعی، فضاهایی برای یادگیری و جاهایی برای نشستن بچه‌ها با مبلمان راحت و نرم باشد

